



تربیت اقتصادی فرزندان با تأکید بر کسب حلال از منظر آموزه های فقهی

بنین احمدی (نویسنده مسئول)*

مریم وفادار**

چکیده

تربیت فرزندان از دوران کودکی شروع شده و در زمینه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و اعتقادی صورت می گیرد. این تحقیق عهده دار بیان حکم فقهی والدین در «تربیت اقتصادی» فرزندان است. تربیت اقتصادی به معنای دادن بینش صحیح بر پایه دستورات قرآن، حدیث و آموزه های فقهی به فرزندان است، تا هویت و تصور فرزندان از خودشان بر اساس دستورات اسلام از اقتصاد قوام یابد. باور انسان که شکل دهنده و تنظیم کننده رفتار آدمی است در زندگی اجتماعی و کار کرد اقتصادی نقش مهمی دارد. توجه اسلام به اقتصاد در همه ابعاد زندگی وجود دارد، از جمله اسلام به تلاش برای کسب روزی تأکید دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تربیت اقتصادی فرزندان با تأکید بر کسب حلال از منظر آموزه های فقهی گردآوری شده است. از نظر احکام اقتصادی بحث حلال و حرام، انگیزه الهی، رعایت اعتدال و رعایت حقوق دیگران مهم بوده و مفاهیمی، مثل رزاقیت الهی، توکل، برکت در حوزه باورهای اقتصادی مطرح می شوند. بر این اساس، این پژوهش پاسخگوی پرسش تربیت اقتصادی از منظر آموزه های فقهی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی، تحلیلی با بررسی آیات و روایات نگاشته شده است.

کلیدواژه ها: فقه تربیت، اقتصاد، تربیت اقتصادی، کسب حلال، فقه.

* دانش پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان/

Banin_ahmadi2014@gmail.com

** هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی خاوران، جامعه المصطفی العالمیه خراسان/

maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

«تربیت» اقتصادی عبارت است از فعالیت‌های آموزشی به منظور بهره‌برداری صحیح از منابع موجود در حیطه تولید، توزیع و مصرف اقتصادی با در نظر گرفتن شریعت الهی. کشورهای زیادی در دنیا تجربه تربیت اقتصادی برای فرزندان را دارند. در کشورهای دیگر، تربیت اقتصادی تنها در مفاهیمی مثل کار آفرینی، نیروی کار، حقوق کارگر، سخت‌کوشی و نظم و انضباط و همچنین نوآوری در تربیت اقتصادی تأکید دارد، اما تربیت اقتصادی از منظر اسلام با توجه به اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد.

اقتصاد و نحوه هزینه سرمایه مادی در اسلام آن قدر مهم است که یکی از سخنان معروف امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نیز به آن اختصاص دارد؛ آنجایی که ایشان می‌فرمایند: «شما سخن حق را نمی‌شنوید، چون شکم‌هایتان از مال حرام پر شده است».

این بدان معنی است که تربیت اقتصادی در اسلام تأثیر مستقیمی در سعادت دنیا و آخرت افراد دارد. بسیاری از والدین فکر می‌کنند، وظیفه تربیتی فرزندان شان صرفاً در رعایت آداب نظافت و بهداشت، پوشش، گفتار خلاصه می‌شود، در صورتی‌که اگر فرزندان تربیت اقتصادی مناسبی نداشته باشند، در زندگی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد که دیگر امور تربیتی را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

فرزندان آینه تمام‌نمای والدین هستند و اصلاح رفتارهای والدین، مؤثرترین عامل در تربیت، به ویژه تربیت صحیح فرزندان است. کودکان به طور عمده با یادگیری مشاهده و الگوگیری، مسائل را یاد می‌گیرند؛ اگر والدین مصرف‌گرا باشند، نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان مصرف صحیح را یاد بگیرند، در نتیجه ابتدا والدین باید رفتار مصرفی صحیحی داشته باشند، و همچنین والدین باید در راستای هدف آفرینش به بایستگی اصلاح باورها، توجه به ارزش‌های شرعی و تقویت انگیزه الهی در رفتارهای اقتصادی توجه داشته باشند.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم تربیت

«تربیت» مصدر تفعیل از ماده «ربو» به معنای رشد دادن نمو کردن و زیاد کردن رشد مادی و معنوی به کار می‌رود. به دیگر سخن تربیت همیشه به معنایی توسعه و افزایش در مقدار نیست، بلکه گاه به معنایی توسعه کیفی یعنی خارج کردن شیء از افراط و تفریط به سوی اعتدال و سوق دادن آن به سوی کمال است. (جوهری، ۱۴۰۴: ۶/۲۳۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۸۳)

مراد از آن [تربیت] در آموزه‌های تربیتی اسلام پرورش استعدادهاى مادی و معنوی و توجه دادن آن به سوی اهداف و کمالاتی است که خداوند متعال برای وصول به آن اهداف در وجود آدمی قرار داده است. (صانعی ۱۳۸۰: ۱۲)

از دیدگاه قرآن کریم، تربیت جایگاه والایی دارد یکی از صفات خداوند، «رب» است که به معنای مربی است و این علاوه بر خالق بودن است. قرآن کریم وقتی در مورد جبران تلاش پدر و مادر برای تربیت انسان سخن می‌گوید، دستور می‌دهد که کاملاً متواضع باشیم. قرآن می‌فرماید: «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا». (اسراء: ۲۴)

و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.

از این آیه چنین استدلال می‌شود که انسان باید در معاشرت و گفتگوی پدر و مادر طوری روبه رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان قرار می‌دهد و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد همان طوری که آن‌ها در تربیت او تلاش نمودند.





۱. ۲. اقتصاد

واژه «اقتصاد» از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۶۹/۹) و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است (جوهری، ۱۴۰۴: ۵۲۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۳۵۳؛ مصطفوی، ۱۳۵۸: ۲۶۹/۹)

در تعریف اقتصاد نیز گفته شده است فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، توزیع و مصرف را اقتصاد گویند. در این میان دین مبین اسلام دیدگاه خاص و ویژه‌ای به مقوله اقتصاد دارد که از آن تعبیر به اقتصاد اسلامی می‌شود. (هادوی، ۱۳۷۸: ۴۵)

اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که به عنوان بستر و زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است. شهید صدر معتقد است:

اقتصاد اسلامی، مکتبی است که راه‌های سامان‌دهی زندگی اقتصادی در چارچوب شریعت در آن آشکار می‌شود؛ زیرا این مکتب، دارای پشتوانه فکری از اندیشه‌های اخلاقی اسلام و اندیشه‌های اقتصادی علمی یا تاریخی است. (صدر، ۱۳۹۳: ۹)

۱. ۳. تربیت اقتصادی

امروزه در ادبیات متعارف، مراد از «تربیت اقتصادی» برنامه‌ها و اقداماتی است که اغلب کشورها برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا در می‌آورند. بررسی و مطالعه تجربه‌های جهانی - به خصوص در دهه‌های اخیر - نشان می‌دهد که آن‌ها تلاش‌های نظام‌مندی را در این راستا، برای مقاطع سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی انجام داده‌اند تا به این وسیله، بتوانند نسلی را برای ورود به عرصه اجتماع آماده نمایند که نه تنها مفاهیم اقتصادی را بداند، بلکه به بهترین وجه، حائز مهارت تفکر اقتصادی بوده و ضمن بهره‌مندی از یک منطق

فکری، قابلیت تحلیل شرایط مختلف اقتصادی و تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشد. (طغیان، ۱۳۹۱: ۷۶)

تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از ایجاد آمادگی لازم در مرتبه‌ی به نحوی ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود می‌تواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ و میانه‌روی موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد. و در طریق توضیح و مصرف شریعت الهی در نظر داشته و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب خداوند و کسب رضای او انجام برساند. (ایمانی، ۱۳۹۱)

۴.۱. کسب روزی حلال

آنچه در نظام اقتصادی اسلام، بیش از هر چیز اهمیت دارد حلال بودن کسب و کار و درآمد حاصل از آن است؛ یعنی به دست آوردن مال از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد. مال و اقتصاد، مایه قوام زندگی فردی و اجتماعی است و همچون ستون اصلی خیمه اجتماع عمل می‌کند، از این رو مدیریت اقتصادی و حفظ و صیانت از اموال، یک واجب شرعی است که کشف این وجوب شرعی از طریق عقل سلیم و نقل و حیانی امکان‌پذیر است.

قرآن، جمع کردن مال از راه‌های غیرمشروع را ممنوع می‌داند و به رهروان خود تأکید می‌ورزد که پایه امور مالی خود را بر اساس «ایمان و تقوا» بنا نهند و روزی خود را از راهی به دست آورند که مطابق طبع سلیم باشد و عقل انسان بر آن را تأیید و خداوند آن را مجاز و مباح می‌داند: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مانده: ۸۸)؛ هر چیز حلال و پاکیزه که خدا روزی شما کرده از آن بخورید، و بهره‌یید از (مخالفت) آن خدایی که به او گرویده‌اید.

قرآن از طرفی به کسب حلال امر می‌کند و از طرفی از حرام‌خواری و انجام کار نامشروع نهی می‌کند و آن را پیروی از شیطان می‌خواند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از



آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست». «كُلُوا» در این آیات کنایه از انواع تصرف است که شامل تغذیه نیز می‌گردد.

از دیدگاه قرآن، بهترین حالت انسان، توجه به خدا و یاد معاد و بدترین حالت، غفلت و فراموشی از یاد خداوند است. این اصل در برخی از آیات قرآن کریم بیان شده است:

۱. در سوره «زخرف» می‌فرماید: «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ». (زخرف: ۳۸)

(و چنین کس سرگرم دنیا شود) تا وقتی که به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو (ای شیطان) فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بد اندیشی بر من بودی.

باور به معاد و یاد آن یکی از نیرومندترین عوامل درونی اصلاح رفتارها و جلوگیری از ناشایست‌ها، از جمله مفاسد اقتصادی است.

۲. قرآن کریم علت کم‌فروشی و نادیده گرفتن حقوق مردم را عدم باور به معاد می‌داند و می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ* ... أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ». (مطففین: ۶-۱)

وای بر کم‌فروشان... آیا آن‌ها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.

از آنجا که بازار محل کسب‌وکار و نمادی از زرق‌وبرق دنیاست و زمین مناسبی برای غفلت آدمی را فراهم می‌سازد. از این رو، بر اهمیت توجه به امور معنوی در هنگام دادوستد، تأکید بسیاری شده است، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ». (نور: ۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.

۳. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». (جمعه: ۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.

۱. ۵. فقه

فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن است، و در اصطلاح منظور از فقه، دانشی است که ما را در استنباط حکم شرعی کمک می‌کند و قوانین الزامی و غیر الزامی را که از طرف خداوند برای بشر وضع شده است بیان می‌کند. (جوهری، ۱۴۰۴: ۲۲۴۳)

۲. مبانی و مهارت‌های اقتصادی

۲. ۱. اهداف و اهمیت تربیت اقتصادی

اسلام اهمیت فراوانی برای تعلیم و تربیت قائل است. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام آن قدر زیاد است که طلب علم را بر هر مسلمانی واجب دانسته شده و یکی از وظایف مسلمانان کسب علم می‌باشد؛ «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ علم آموزی بر هر مرد و زن مسلمان، واجب است».

قرآن کریم تا آنجا برای کسب آموزش اهمیت قایل شده که مسلمانان را ملزم می‌سازد که همه در میدان جنگ شرکت نکنند، بلکه گروهی بمانند و معارف اسلامی را بیاموزند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون». (توبه: ۲۴)

شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی جهاد کوچ کنند، چرا از هر گروهی طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند و (طایفه‌ای بماند) تا در دین و احکام و معارف اسلام آگاهی پیدا کنند و



هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند تا از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خودداری کنند.

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز از هیچ فرصتی برای تحقق این هدف فروگذاری نکرد؛ از جمله این فرصت‌ها تعلیم مسلمین به دست اسرای جنگی به عنوان فدیة آزادی آن‌ها بود. در رویکرد اسلامی، ضعف شناخت یکی از عوامل مهم در بروز ناهنجاری‌های اقتصادی است. این نکته در روایات به خوبی منعکس شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید کسی که بدون معلومات فقهی وارد تجارت شود، دچار رباخواری می‌شود؛ «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ اِزْتَلَمَ فِي الرَّبَا». (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۹)

ایشان سه بار به تجار سفارش می‌فرماید که پیش از وارد شدن به تجارت، احکام آن را فرا گیرند و می‌فرماید: بخدا سوگند ربا در این امت مخفی تر از راه رفتن مورچه بر روی تخته سنگ‌های بزرگ و سیاه است «سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ وَ اللَّهُ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصِّدْقِ التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَحَدَ الْحَقِّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ» (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۰۵/۵)

یکی از ساحت‌های تحول فرهنگی، اقتصاد است و از آنجا که این تغییرات فرهنگی در اقتصاد مردم بسیار سخت صورت می‌گیرد، باید از مسیر تربیت وارد این عرصه شد. صرف داشتن یک درس اقتصاد در هر سال تحصیلی کافی نیست، بلکه باید این مفاهیم در قالب‌های فرهنگی و جذاب به دانش‌آموزان ارائه شود و اغلب این مفاهیم اقتصادی مفید را می‌توان در متون گذشتگان دید.

در غرب با تکیه بر آموزش‌های مردم مبتنی بر دو حوزه اقتصاد نظری و اقتصاد سیاسی، جوامع را به این جهت سوق دادند که برای پیشرفت و توسعه جزء نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نسخه دیگری وجود ندارد، اما باید توجه کرد که اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی در ادبیات

دینی به اندازه‌ای است که آموزه‌های اسلامی با تأکید بر سه دسته عقاید، اخلاق و احکام اقتصادی به دنبال تعلیم و تربیت اقتصادی افراد می‌باشند.

در بُعد عقاید اقتصادی دین به دنبال آموزش مفاهیم اقتصادی مانند پذیرش مفهوم رزق، برکت و زندگی پس از مرگ است. در بعد اخلاق اقتصادی به دنبال قابلیت‌های کنترلی مانند نهی از حب مال که از آن به شهوت تعبیر شده است، می‌باشد و در بُعد احکام اقتصادی به دنبال آموزش دستورات اقتصادی مشخصی مانند علم به احکام خمس و زکات است.

۲.۲. فضیلت کسب روزی حلال

کسب حلال، به نوعی از فعالیت اقتصادی گفته می‌شود که در چهار چوب قوانین اسلامی و شرعی انجام می‌شود و مهم‌ترین خصوصیت آن، نفع خود انسان چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی و از طرفی رعایت کردن «حق الناس» می‌باشد. این سخن اگرچه به آسانی گفته می‌شود، اما در مقام عمل بسیار سخت است تا جایی که در بعضی روایات ائمه طاهرین (علیهم السلام)، تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را از شمشیر زدن در میدان جنگ سخت‌تر شمرده‌اند. (محمدری شهری، ۱۳۸۹: ۲/۵۰۹)

رسول اکرم ﷺ کسی را که در راه تحصیل و به دست آوردن روزی برای خانواده کوشش می‌کند به مجاهد فی سبیل الله در راه خدا تشبیه می‌کنند: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله». (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۳/۱۰۳) از مطالبی که گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که به طور کلی اسلام با کسب و کار و فعالیت‌های صحیح اقتصادی کمال موافقت را دارد و حتی به آن سفارش اکید دارد، اما در مقابل از نزدیک شدن به مال حرام و شبهه‌ناک به شدت نهی فرموده است.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ان الذنوب کلها شدیدة و اشدھا ما نکبت علیھا اللحم و الدم؛ همه گناهان سخت می‌باشند و سخت‌ترین آن‌ها گناهی است که گوشت و پوست از آن روییده باشد». (کلینی، ۱۳۷۹: ۵)



در این زمینه عالم و زاهد بزرگ مرحوم شیخ علی اکبر نهایندی می‌فرماید:

چون غذای حرام به شکم وارد شد، مصداق آیه «و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً» [اعراف: ۵۸] است و از خبیث چیزی جز خبیث خارج نشود و مصداق آن در ضرب المثل‌ها این بیت است که: از کوزه همان تراود که در اوست... و قوت یافتن و بسته شدن نطفه‌ای که با لقمه حرام بسته و رشد یافته، چیزی جز خبث است نمی‌باشد و چگونه می‌توان به چشم او امیدوار بود که به نامحرم نگاه نکند و یا با زبان غیبت نکند و این چنین است حال سایر اعضا به نسبت به معاصی که صادر شده از شخص. (نهایندی، ۱۳۹۰: ۴۳۰)

نیز عالم ربانی مرحوم نراقی در کتاب «معراج السعاده» می‌نویسد:

دلی که از لقمه حرام روئیده باشد، کجا و قابلیت انوار عالم قدس کجا؟! و نطفه‌ای که از مال حرام هم رسیده باشد، به مرتبه رفیع انس با پروردگار چه کار؟! چگونه پرتو عالم نور بدلی تابد که غذای حرام، آن را تاریک کرده و کی پاکیزگی و صفا برای نفسی حاصل می‌شود که کثافات مال شبهه ناک، آن را آلوده و چرک‌آلود نموده باشد. (نراقی، ۱۳۸۳: ۳۱۳)

از آنچه گفته شد بنا به اصل علیت، غذای حرام بر روح و روان انسان بسیار تأثیرگذار است و این تأثیر بر روان فرزند، به هیچ وجه قابل انکار نیست.

۳.۲. مهارت‌های اقتصادی

فرزندان باید از کودکی مهارت‌های اقتصادی را بیاموزد، از جمله مهارت بودجه‌بندی، درست خرج کردن، پس‌انداز کردن، خرید بر اساس نیاز، مصرف صحیح، محافظت از اموال و... .

بهترین زمان برای آموزش و تمرین مهارت‌های مالی، دوران کودکی است، زیرا کودکان از نظارت و حمایت والدین برخوردارند. بسیاری از بزرگسالان اشتباهات بزرگی را مرتکب می‌شوند، فقط به خاطر اینکه در کودکی اشتباه کوچکی نکردند! گاهی والدین مانع کسب تجربه‌های مالی فرزندان می‌شود؛ درحالی‌که می‌توان با مدیریت صحیح، فرصت‌های آموزشی مناسبی را ایجاد کرد. در این فصل، به بررسی راه کارهای مهارت‌های مالی کودکان می‌پردازیم.

۴.۲. مهارت‌های مالی کودکان

۴.۲.۱. کار و تلاش

کار تنها به کارگری با کلنگ و بیل اختصاص ندارد، بلکه شامل کارهای یدی و فکری فعالیت‌های صنعتی، بهداشتی، کشاورزی، تجارت، نویسندگی، رانندگی، معماری، مهندسی، آموزگاری و کاراداری نیز می‌شود. (اشتهاردی و عبدوس، ۱۳۹۱: ۳۰۷)

کاروتلاش علی‌رغم «سختی و توان فرسایی» فواید و مزایای به شرح ذیل به همراه دارد:

۱. انسان به واسطه کار و تلاش می‌تواند جایگاه اجتماعی خود را ارتقاء داده (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۴۷۵) و موقعیت اجتماعی بهتری را برای خود و خانواده اش کسب کند.
۲. انسان با اهتمام در باره ی کار و تلاش می‌تواند رستگاری و سعادت خود در آخرت را تضمین کند. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۱۲)

۳. افراد علی‌رغم هر جایگاهی که ممکن است داشته باشند، بر اساس مسئولیتی که در برابر خانواده و جامعه دارند و بر حسب ضرورت و نیاز باید به کار و تلاش هم اهتمام داشته باشد، چنان‌که امام علی علیه السلام در دوره رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله علی‌رغم سابقه و جایگاهی که داشتند، برای درختان خرمایی گروهی از یهودیان مدینه با دستن خود آب می‌کشید تا حدی که دستانش تاول می‌زد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۵: ۲۲/۱)



تشویق فرزندان به کار کردن، از وظایف تربیتی والدین است. آن‌ها باید حتی برای امور ساده و پیش پا افتاده، تشویق شوند. کار کردن را باید به فرزندان آموزش داد. باید از کودکی به آن‌ها آموخت که برای تحصیل سعادت و آسایش، لازم است به کارهای مفید اشتغال داشته باشند. کار، عامل مهم تربیت، کسب تجربه، رشد اجتماعی، به دست آوردن مهارت‌های زندگی و شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌هاست. کار، یکی از بهترین ابزار تعلیم و تربیت در زندگی است، زیرا به وسیله آن حس اطاعت، قانون شناسی، خویشتن‌داری، وقت‌شناسی، دقت و استقامت در انسان شکوفا می‌شود و فرزندان را برای انجام امور زندگی بهتر، تربیت و آماده می‌کند در مقابل، سستی و تبلی برای فرزندان بلا و آفت. است خدای متعال، سعی و تلاش را توصیه کرده است و در قرآن می‌فرماید: وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ انسان جز محصول کوشش خویش، مالک چیزی نیست». (نجم: ۵۳)

با تعیین کار برای کودکان، در آن‌ها مسولیت پذیری شکل می‌گیرد و احساس عزت و مفید بودن می‌کنند. کودکی که آموزش کار و تلاش دیده است، در معاشرت و انتخاب دوست و همراهانش نیز دقت نظر دارد و از افراد تنبل دوری می‌کند.

۲.۴.۲. خرید بر اساس نیاز

آدمی در طی دوران زندگی، نیازهای گوناگونی دارد و کمبودهایی را احساس می‌کند. برخی از این نیازها از قبیل خوراک، پوشاک، آموزش و بهداشت، ضروری اند و برخی ضرورت کمتری دارند و حتی غیرضروری را هستند. نیازهای غیر ضروری را «خواسته» می‌نامیم. توانایی و مهارت دسته‌بندی و اولویت‌بندی مایحتاج در قالب «نیاز و خواسته» بسیار اهمیت دارد و به مدیریت بهتر اقتصادی فردی و اجتماعی کمک خواهد کرد. یکی از آفت‌های بی توجهی به این موضوع گرفتار شدن به «اسراف» است و این منابع محدودی که در اختیار داریم، بر اساس اولویت‌ها و درست و بهینه خرج نکنیم.

آیت الله العظمی خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:



لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌های مان در سطوح مختلف اعمال کنیم. صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه جویی به معنای درست مصرف کردن، به‌جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد. (بیانات در دیدار نوروزی ۱۳۸۸)

۲.۴.۳. اصلاح الگوی مصرف

ساختار و الگوی مصرف مطلوب در اسلام، حاوی نکات آموزنده و تربیتی ارزنده‌ای است که عمل کردن بر اساس آن، نقش مؤثری بر زندگی افراد می‌گذارد. این ساختار با مطالعه دقیق در آیات و روایات به دست می‌آید. (جمالی، ۱۳۸۵: ۹۰)

نکوهش اسراف در اسلام اسراف عبارت است از: «هرگونه تجاوز از حد در کاری که انسان انجام می‌دهد، ولی غالباً این کلمه در مورد هزینه‌ها و خرج‌ها شهرت دارد». (راغب اصفحانی ۴۹۷: ۱۴۱۶).

هنگامی که امام صادق علیه السلام آیه «الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً». (فرقان: ۶۷)

و کسانی که هرگاه اتفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند» را تلاوت کرد، مشتی سنگ‌ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود: این، همان «اقتار» و سختگیری است. سپس مشتی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن به روی زمین ریخت و فرمود: این، «اسراف» است؛ بار سوم مشتی دیگری برداشت و طوری دست خود را



گشود که مقداری فروریخت و مقداری در دستش بازماند، فرمود: این، همان «قوام» است. (مکارم شیرازی، ۱۵: ۱۳۷۲/۱۵۲)

مصارف مسرفانه، یکی از مذموم‌ترین اعمال از دیدگاه اسلام است و در آیات و روایات شدیداً محکوم شده است. کلمه «اسراف»، کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. اسراف در مصرف منابع طبیعی، تجاوز به حقوق دیگران و هدر دادن امکاناتی است که به همه انسان‌ها و نسل‌ها تعلق دارد. از این رو، در جهان‌بینی دینی، اسراف و مصرف بی‌رویه سرانجام به نابودی امکانات می‌انجامد که همه را در کام نیستی فرو می‌برد. به فرموده امام علی علیه السلام: «السرف مثواة؛ مصرف بی‌رویه، عامل نابودی است». (محمد ری شهری ۵: ۱۳۷۹/۲۴۵)

از این رو داشتن الگوی صحیح مصرف برای جوامع اسلامی ضرورت دارد و روشن است که استقرار فرهنگ صحیح مصرفی، نیاز به آموزش مستمر دارد تا قناعت‌پیشگی و پرهیز از اسراف به عنوان یک ارزش جایگاه ویژه خود را باز یابد و با مصرف‌گرایی به عنوان کار ناشایست مبارزه گردد، و در عوض، تمام تلاش و کوشش افراد در راه تولید بیشتر به کار گرفته شود و سخت‌کوشی در این راه به عنوان ایثار و فداکاری و ادای دین در قبال اجتماع، ترویج شود.

روشن است که تبلیغ و ترویج یک فرهنگ بر دوش کارگزاران یک نظام است. در نظام اسلامی شایسته است که دولت بر اساس آیین مقدس اسلام تدبیری بیندیشد تا افراد از کودکی در داخل خانواده و محیط مدرسه، با زیان‌های فرهنگ مصرفی و سودمندی فرهنگ صرفه‌جویی، میانه‌روی در مصرف، محدود کردن تمایلات و تقاضا آشنا شوند و بدین وسیله گام بزرگی در جهت بهبود وضع خود و اجتماع بردارند. (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۸)

کودکان امروزه به دلیل برخورداری از امکانات رفاهی بیشتر متنوع، غالباً درک درستی از ارزش امکانات موجود و کمبودها و محدودیت‌ها ندارند و الگوی مصرف صحیحی را

رعایت نمی‌کنند. آسایش و راحتی زیاد در فرهنگ ما سبب شده کودکان در نوعی از «حباب» رشد کنند. داشتن تخت خواب گرم و نرم و سه وعده غذای خوب در روز، خواسته مسلمی به نظر می‌رسد! اگر هوشیار نباشیم، تمام این چیزهای عالی می‌توانند کودک را از دیدن دنیای خارج از امنیت و حوزه آسایش او بازدارند.

بهره مندی همیشگی از رفاه و بدون اینکه کمترین زحمتی برای رسیدن به آن کشیده شود، سبب می‌شود که انگیزه برای مصرف به اندازه و بهینه وجود نداشته باشد. گاهی لازم است از روند زندگی روزمره خارج شده و با افرادی که از امکانات محروم اند، مواجه شویم. تلنگرهای این چنینی، البته با در نظر گرفتن تناسب با سن کودک، می‌تواند او را با محدودیت‌ها آشنا کند و قطعاً دیدگاه کودک در باره داشته‌هایش تغییر خواهد کرد؛ علاوه بر این، روحیه بخشش و گذشت در او تقویت می‌شود و از روحیه خود خواهی‌اش نیز می‌کاهد. (آیت‌اللهی، ۱۴۰۱: ۷۳)

۲.۴.۴. پس‌انداز

یکی از مهارت مهم مالی «پس‌انداز» است. برای رسیدن به برخی اهداف مالی، نیازمند پس‌انداز هستیم. در واقع افراد با به تعویق انداختن مصرف زمان حال پول، برای رفع نیازهای آینده شان ذخیره می‌کنند. داشتن هدف معقول و ممکن برای پس‌انداز اهمیت دارد. آینده نگری، ایجاب می‌کند نسان همه درآمد خود را یکجا مصرف نکند، بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس‌انداز کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّت»؛ آدمی هرگاه وسایل زندگی‌اش را به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد. (کلینی، ۱۳۷۹: ۸۵/۵)

خیلی از جوان‌ها و نوجوان‌ها پس‌انداز مشکل دارند، زیرا هیچ وقت مجبور نبودند یا در والدین مشاهده نکردند و همیشه والدین نیازهای آن‌ها را به سرعت برطرف کردند. در واقع



این گونه افراد، هیچ مهارت‌های لازم زندگی را در کودکی تمرین نکرده‌اند تعیین اهداف کوچک و کوتاه‌مدت در کودکی سبب می‌شود تا در جوانی برای رسیدن به اهداف بزرگتر نیز برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام شود. پس انداز کردن «صبر» را به کودکان آموزش می‌دهد.

۲.۴.۵. درک صحیح کودک از پول

کودکان پول را دوست دارند و راحتی را در پول می‌بینند، اما چقدر با معادله‌ای که پول، از کار و زحمت به دست می‌آید، آشنایی دارند؟ آیا از تلاش‌های والدین برای کسب درآمد آگاه هستند؟ کودکان باید ارزش پول در آوردن و پول نگهداشتن و پول خرج کردن را بدانند. آن‌ها باید بدانند که پول نعمتی از جانب خداست که با زحمات فراوان پدر و مادر به دست می‌آید، لذا نباید به راحتی از دست برود و باید در قبال آن احساس مسئولیت کنند. ضمن اینکه بدانند پول وسیله است، نه هدف؛ و در برخورد با پول باید نه آن قدر وابسته بود که به مرز بخل و خساست رسید و نه آن قدر بی توجهی کرد که به اسراف دچار شد. (آیت الهی، ۱۴۰۱)

۳. وظایف والدین در نهادینه کردن مهارت کسب روزی حلال در فرزندان براساس آموزه‌های فقهی

پدر و مادر به عنوان اولین رکن تشکیل دهنده خانواده این توانایی را داراست تا بنیانگذار مسیری سراسر خیر و سعادت برای فرزندان خویش باشد و سنگ بنای اصلاح جامعه را بر جای نهد؛ در مقابل، بی‌توجهی و عدم انجام تکالیفی که خداوند بر عهده ایشان گذارده است، سبب خیانت در امانت الهی و زمینه‌ساز تباهی و انحطاط اخلاقی فرزندان می‌شود.

خداوند متعال نیز در سوره مبارکه تحریم وظیفه سنگین مراقبت و تربیت اهل خانه را بر عهده والدین گذارده و در این خصوص به آنان هشدار می‌دهد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا

أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن، مردم و سنگ‌ها هستند، نگه دارید. (تحریم: ۶)
در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

طَلَبْتُ نُورَ الْوَجْهِ فَوَجَدْتُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ طَلَبْتُ فَضْلَ الْجِهَادِ فَوَجَدْتُهُ فِي الْكَسْبِ
لِلْعِيَالِ وَ طَلَبْتُ حُبَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَجَدْتُهُ فِي بُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي.

در پی کسب نور چهره بودم، آن را در نماز شب یافتم. به دنبال کسب فضیلت جهاد بودم آن را در به دست آوردن روزی برای خانه و خانواده یافتم و به دنبال به دست آوردن محبت خدای عزوجل بودم، آن را در بغض نسبت به اهل معصیت یافتم. (نوری: ۱۲: ۷۳/۱۴۰۸)
از دیدگاه اسلام، اگر کسی از مسیر حلال و طبق رضای خدا هزینه خانواده خود را به دست آورد و در این راه به رنج و سختی بیفتد مجاهد در راه خدا به شمار می‌رود، در این زمینه احادیث و روایات بسیاری وجود دارد که ویژگی‌ها و نکات مهمی را مطرح می‌کنند. در اسلام حدود و مقرراتی وجود دارد که باید رفتار مسلمانان بر مبنای آن‌ها تنظیم گردد و بدون رعایت آن‌ها، وی از ایمان کامل برخوردار نیست. این حدود همان قوانین الهی حاکم بر رفتار فرد و جامعه اسلامی هستند. در ارائه الگوی مناسب برای یک جامعه دینی باید حدود و مقررات شرعی در نظر گرفته شوند، زیرا انسان در مقابل تمام اعمال و رفتار خود از جمله در رفتارهای اقتصادی مسئول‌اند و روزی پاسخگوی آن خواهند بود.

حضرت علی علیه السلام درباره این مسئولیت نسبت به استفاده از مواهب این جهان می‌فرماید:
«فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ» (نهج البلاغه، خ: ۸۲، ص/ ۱۳۰)

نعمت‌های حرام این جهان موجب مجازات و استفاده از حلال آن‌ها نیز موجب مسئولیت است. آموزش رفتارهای اقتصادی حلال و حرام باید جزو برنامه تربیتی برگرفته از آموزه‌های قرآنی باشد. رفتار عملی مریمان و رعایت موازین شرعی از سوی آن‌ها از دیگر عوامل موثر در



تربیت فرزندان است. با بررسی این احادیث به چند نکته اساسی در زمینه کسب روزی حلال می‌رسیم که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱.۳. نکوهش از تبلی در کسب روزی

در روایات و احادیث بسیاری تلاش نکردن برای کسب معاش بسیار نکوهش شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَسَلَ عَنْ طَهْرِهِ وَ صَلَاتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِّأَمْرِ آخِرَتِهِ وَ مَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصْلِحُ بِهِ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَاهُ».

اگر کسی در امر طهارت و نماز خود کوتاهی کند، در امور آخرت خیری برای او نخواهد بود، و اگر کسی در کسب روزی و امرار معاش خود تبلی کند، در امور دنیا خیری نصیب او نخواهد شد. (کلینی، ۱۳۷۹: ۸۵/۵)

۲.۳. سفارش به گشاده‌دستی

یکی از نکات در هزینه کردن این است که باید توجه شود توسعه دادن بر خانواده و اهل منزل است. در این زمینه امام صادق علیه السلام به معاذ فرمودند: «اسْعَ عَلَيَّ عِيَالِكَ وَ إِطَاكَ أَنْ يَكُونَ هُمْ السَّعَاءَ عَلَيْكَ»؛ برای خانواده خود تلاش کن تا برای آنها رفاه و آسایش را فراهم کنی و بر حذر باش از اینکه آن‌ها برای اداره تو تلاش کنند. (طوسی، ۱۳۶۴: ۴/۷) زیرا خدا اصل را بر این قرار داده است که پدر هزینه زندگی خانواده را تأمین کند. در شرح حال برخی از علما آمده است که دعا می‌کردند خدایا تا آخر عمر ما را موفق گردان که به فرزندان خود کمک کنیم، نه اینکه زمانی فرا برسد که آن‌ها ما را اداره کنند؛ و این یک دستورالعمل حکیمانه برای زندگی است.

ابی حمزه از امام سجّاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَيَّ عِيَالَهُ»؛ در میان شما خدا از کسی راضی‌تر است که برای خانواده خود گشادگی بیشتری بیاورد.

«اسبغ» به معنای فراوانی است؛ یعنی همان طور که دوست داریم خدا به ما وسعت روزی عطا کند، مرد نیز تا می‌تواند نعمت را در اختیار خانواده‌اش بگذارد، البته در نکته بعدی خواهیم گفت که گشاده‌دستی باید حساب شده باشد. در همین رابطه یکی از علما نقل می‌کردند که نزد بزرگی رفتم و برای یک امر خیر از او تقاضای مبلغی پول کردم. ایشان گفتند بگذارید اول خدا به ما بدهد آن‌گاه ما به شما بدهیم. من گفتم که شما اول باید بدهید تا خدا به شما وسعت دهد. بنای ما در زندگی باید این باشد که گشاده‌دست باشیم و بر خانواده خود راحت بگیریم و آن‌ها را در تنگنا قرار ندهیم آن‌گاه است که خداوند به ما وسعت خواهد داد و هر چه بیشتر به این دستور عمل کنیم وسعت بیشتری خواهد داد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ»؛ بر صاحب نعمت واجب است که [از آن چیزی که خدا به او داده است] برای خانواده خود توسعه و رفاه ایجاد کند. (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۱/۴)

۳.۳. رعایت قناعت

قناعت یعنی اکتفا کردن به آن مقدار که در مورد نیاز انسان است. همچنین به معنای راضی شدن، به اندازه نیاز بسنده کردن و صرف کردن، زیاده‌طلبی نداشتن در خرج و صرف مال و در هر چیزی، اندازه نگه داشتن است.

همچنین به معنای صرفه‌جویی، روحیه بی‌نیازی، حرص و طمع نداشتن و ضد اسراف کاری نیز هست. قناعت یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان و از امتیازات انسان‌های با فضیلت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خِيَارُ أُمَّتِي، الْقَانِعُ وَ شِرَارُهُمْ، الطَّامِعُ؛ بهترینان امت من، قناعت‌کنندگان و بدترین آن‌ها، طمع‌کاران هستند. (متقی هندی، ۱۴۱۹)



این فضیلت زمانی به دست می‌آید که انسان با همت بلند قلبش را از دوستی دنیا خالی کرده و توجهش را به زندگی ابدی و آخرت معطوف داشته باشد. در این صورت است که انسان می‌تواند از متاع ناچیز دنیا چشم پوشیده و جز به اندازه نیازش از آن توشه بر ندارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ شَرَفِ الْهِمَّةِ، لُزُومُ الْقَنَاعَةِ»؛ از بلند همتی است، پابندی به قناعت. (آمدی، ۱۴۱۰)

امام علی علیه السلام همچنین در بخشی از سفارش خود به فرزند بزرگوارش حسین علیه السلام می‌فرماید: «لَا مَالَ أَذْهَبُ بِالْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقُوْتِ وَ مَنْ اِقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ، تَعَجَّلَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ»؛ هیچ ثروتی در زدودن فقر از خشنودی به قوت، نیست و هر که به کفاف زندگی بسنده کند، به زودی به آسایش دست یابد و زندگی آسوده و مرفه‌ی به دست آورد. (حرعاملی، ۱۳۸۶: ۱۶/۱۸)

شرع مقدس، حد و حدود هر چیزی را در مصرف شخص، معین کرده است. باید توجه داشت که بیشتر از حد لزوم صرف و خرج نشود؛ به بیان دیگر، قناعت، رضایت به اندازه نیاز و حسن تدبیر معاش است. نسل‌های قبل، بیشتر اهل قناعت بودند، اما نسل امروز غالباً با این مفاهیم بیگانه‌اند و تصور اشتباهی از قناعت دارند و آن را معادل فقر، خساست و کمبود می‌دانند. از ویژگی‌های فرهنگ امروز، مواجهه با حجم بالای تبلیغات انواع کالا و خدمات است و کودکان مدام از راه‌های گوناگون، از جمله تلویزیون، رادیو، شبکه‌های اجتماعی، تابلوهای تبلیغات شهری و... خواسته و ناخواسته در معرض تبلیغات هستند و این تبلیغات حتی در صورت عدم توجه هم در نا خود آگاه مخاطب اثرگذارند.

هدف اصلی تبلیغات القای نیاز به مخاطب است و این طور نشان می‌دهند که با مصرف آن کالاها و خدمات، به شادی و رضایت و آرامش می‌توان رسید در واقع رفع نیاز روحی را که رسیدن به آرامش و رضایت است، صرفاً با مصرف یک کالا گره می‌زنند. اساس تبلیغات این است که در مخاطب، نسبت به وضع موجود نارضایتی ایجاد کند و او را در جهت خرید

سوق دهد. نارضایتی منجر به خرید بیشتر و بدهی بیشتر می‌شود. کودکان از زمانی که قادر به درک اطلاعات می‌شوند در معرض این بازاریابی‌ها قرار می‌گیرند. تبلیغات بین کارتون‌ها و برنامه‌های مختلف و والدینی که در خواب غفلت به سرمی‌برند احساسات بسیار آسیب‌پذیر کودکان را با بیماری مهلک نارضایتی مواجه می‌کنند. اگر می‌خواهید کودکان در مسائل مالی خود موفق باشند باید کودکانی قانع تربیت کنید. اگر بتوانید روحیه قناعت را در آن‌ها پرورش دهید، بهترین بیمه در مقابله با فرهنگ مصرف‌گرایی امروز است و در بزرگسالی باعث موفقیت آن‌ها در زندگی و مسائل پولی خواهد شد.

۴.۳. رعایت اصل اعتدال

قرآن کریم در سوره مبارکه فرقان، در وصف «عباد الرحمن» می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا». (فرقان: ۶۷)
و آنان که هرگاه در زندگی هزینه کنند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، بلکه همواره حدّ اعتدالی را برمی‌گزینند.

بندگان خوب خدا حتی اگر تمکّن مالی هم داشته باشند، به اسم سخاوت، هزینه‌های بیجا نمی‌کنند و در مهمانی‌ها و مجالس خود اسراف نمی‌کنند، زیرا خداوند اسرافکاران را دوست ندارد: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱). از طرف دیگر خداوند کسی را هم که به بهانه اسراف نکردن بر خانواده خود سخت بگیرد، نیز دوست نمی‌دارد. لذا همیشه در زندگی باید حدّ متعادل را رعایت کنیم.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «إِنَّهُ لَا يُصْلِحُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى التَّائِبَةِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ».

انسان مسلمان اصلاح نمی‌شود جز با سه امر؛ تفکر و تعمق در دین خدا، صبر بر مشکلات و اندازه نگه‌داشتن هزینه در زندگی. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۶۶)





رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در تمام امور به ویژه در امور اقتصادی نه تنها یک ضرورت دینی است، بلکه منشأ فطری دارد و سرشت انسان آن را درک می‌کند. در انحراف از اعتدال، خطر انحطاط و اضمحلال فرد، خانواده و جامعه وجود دارد و عقل و فطرت انسان اجتناب از ورود در ورطه سقوط را لازم می‌شمارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸ / ۸۰)

۳.۵. رعایت حقوق دیگران

توجه به رعایت حقوق دیگران از دیگر عناصر لازم در تربیت فرزندان است و البته مریبان آن‌ها خود باید در رعایت این اصل قرآنی پیشگام باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَتُوا حُقُوقَهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا»؛ حق دیگران از محصولات کشاورزی خود را در همان روز برداشت محصول بپردازید. (انعام: ۱۴۱)

امام علی علیه السلام درباره اهمیت حقوق مالی دیگران می‌فرماید: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَلْيَصِلْ بِهِ الْقُرَابَةَ، وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ، وَ لِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَ الْعَانِي، وَ لِيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْغَارِمَ، وَ لِيَصْبِرَ نَفْسَهُ عَلَى الْحُقُوقِ وَ النَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ».

کسی که خدا به او مال و خواسته‌ای ارزانی داشته، باید که به خویشاوندان برساند و مهمانی‌های نیکو دهد و اسیران و گرفتاران را از بند برهاند و به فقیران و وامداران چیزی عطا کند، تا ثوابی حاصل کند. (نهج البلاغه، خ ۱۴۲)

همچنین آن حضرت ترک حقوق را موجب مبتلا شدن به دروغ‌گویی می‌داند. (ابن شعبه حرانی، ۳۶۰: ۱۳۸۲)

حق از نظرگاهی دیگر، خواه حقوق معین و یا عمومی، با توجه به اینکه صاحب حق چنی کسی است و رعایت آن بر چه کسی لازم است، دارای اقسامی است که به طور خلاصه به آن اشاره می‌شود.

۳. ۵. ۱. حق خداوند بر انسان

خداوند به عنوان آفریننده (بقره: ۲۱؛ نساء، ۷۷؛ اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۰)، پرورش دهنده (آل عمران: ۴۹؛ انعام: ۱۳۴) و روزی دهنده انسان (بقره: ۹۶؛ آل عمران: ۷۳)، حقوقی بر گردن انسان دارد که لازم است انسان مؤمن در ادای آن ها کوشا باشد. توجه به این حقوق از اولین نشانه های ایمان است و در یک جامعه ایمانی از جایگاهی والا برخوردار است. بنابراین در تربیت اقتصادی به فرزندان، توجه به حفظ و پرداخت این حق یک ضرورت است، زیرا در صورت نادیده گرفتن آن، اساس اصلی جامعه که رابطه با منشأ هستی است، خدشه دار می شود و جریان صحیح امور در جامعه دچار آسیب خواهد گشت. این حق که در متون دینی از آن به «حدود الهی» تعبیر می شود در زمینه های مختلف تجلی می یابد.

۳. ۵. ۲. حق متقابل ملت و حاکمیت

هر ملتی بر دولت خود حقوقی دارد و دولت ملزم به حفظ و اعمال آن است. آحاد ملت نیز در مقابل رهبری جامعه یا نظام اداری، وظایفی به عهده دارند؛ دولت ها اساساً به منظور خدمت به مردم و تأمین امنیت در جامعه و رفع نیاز مردم پدید می آیند. امیر مؤمنان علیه السلام درباره حقوقش بر مردم و برعکس می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَنِينِكُمْ عَلَيْنِمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبِكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا. (نهج البلاغه: خطبه ۳۴)





ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقیغ اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم و غنیمت شما را به طور کامل به شما بپردازم و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید؛ همچنین مؤدب به آداب کنم تا بیاموزید.

توجه به این حقوق در ارائه الگوی اقتصادی برای جامعه ضروری است، زیرا رعایت این حقوق، عامل پیشگیری از ایجاد نا امنی اجتماعی و اقتصادی است که خود عامل توسعه و رشد جامعه است، از این رو بر متصدیان امور تربیتی لازم است که هم در صحنه عمل و هم در صحنه آموزش و تربیت، الگوهای تأثیرگذاری را که خود در زمینه رعایت حقوق متقابل، شاخص تلقی می شوند، برای افراد جامعه ارائه نمایند.

۳.۶. انگیزه الهی

انگیزه انسان در رفتارهایش باید الهی بوده و در تمام رفتارهای اقتصادی خود، خدا را در نظر داشته باشد. انسان می تواند از امکانات اقتصادی استفاده نماید و قصد این را داشته باشد که بتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد. در این صورت تمام رفتارهای او رنگ عبادت به خود می گیرد.

فردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به خدا قسم ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم به ما ثروت داده شود. امام علیه السلام سؤال فرمود: دوست داری با آن چه کنی؟ آن مرد گفت به خود و خانواده ام، برسم و صله و صدقه بدهم و حج و عمره انجام دهم. آن گاه امام علیه السلام فرمود: «لَیْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْیَا، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ»؛ این که دنیا طلبی نیست، بلکه عین طلب آخرت است. (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۲۷)

از دیگر سو، استفاده نابه جا و غیر اصولی، خلاف آموزه های اسلامی و ممنوع است. برخی از مفسران در مورد آیه شریفه «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱)، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که اسراف یعنی هزینه کردن در غیر راه خدا؛ هر چند انفاق و کمک به فقرا باشد. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۶۲/۶۲)

بعضی از آیات قرآن سود و جمع‌آوری ثروت را نکوهش کرده و می‌فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ
وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ» (سبا: ۳۷)

و اموال و فرزندانتان چیزهایی نیستند که شما را نزد ما مقرب کنند.

از این آیات قرآن چنین به نظر می‌رسد که اسلام با انگیزه سودجویی و هدف قراردادن سود مخالف است نه با اصل اکتساب سود و جمع‌آوری مال؛ و این بدان منظور است که انگیزه در شاکله فعالیت اقتصادی انسان تعیین‌کننده است. در صورتی که در جامعه اسلامی این اصل مورد توجه باشد، بسیاری از عواملی که در حوزه تولید، توزیع و مصرف موجب نابسامانی است برچیده می‌شود.

۳.۷. انفاق در راه خدا

اصطلاح انفاق در قرآن و کتب اسلامی به معنی بخشش مال به فقیران برای کسب رضای خداست و در نزد عارفان به منزله کمال بخشش است. (سجادی، ۱۳۷۳: ۳۲۳)

انفاق از ریشه «ن-ف-ق»، و به گفته راغب به معنی «کم‌شدن» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۳)

عده‌ای از ترس اینکه مبدا فقیر شوند انفاق نمی‌کنند، ولی تحلیلی که دین ارائه می‌کند، چنین نیست، بلکه در دین یکی از روش‌های تغییر شرایط مادی و به دست آوردن روزی بیشتر انفاق کردن در راه خداست. (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۴۴)

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «استزلوا الرزق بالصدقة؛ ابي الله ان يجعل رزق عباده المومنين من حيث يحسبون».

با صدقه دادن در راه خدا روزی به دست آورید، زیرا خداوند نخواسته روزی بنده مؤمنش را از راه‌هایی که انتظار دارند قرار دهد. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۶۰)

پدر و مادر ابتدا باید این امور را رعایت کنند و سپس به فرزندان خود آموزش دهند. پدر به گونه‌ای عمل کند که پسرها بدانند وقتی بزرگ شدند باید به کسب روزی حلال بپردازند و این



از نشانه‌های موفقیت یک مرد است. دخترها نیز از مادر، تقدیر معیشت را بیاموزند که چگونه متناسب با درآمد خانواده هزینه‌ها را تنظیم کنند و این هنر می‌خواهد. پدر به فرزندان خود بیاموزد که همه ما وظیفه داریم برای زندگی خود زحمت بکشیم.

اگر روزی فرزندان از خستگی کار نزد او شکایت کردند، پدر به جای شکایت و ناراحتی به آن‌ها بفهماند کاری که می‌کنید یک عبادت است. این وظیفه‌ای است که خدا بر دوش ما قرار داده است. اشکالی ندارد اگر خسته شویم، زیرا در راه خدا تلاش کردیم.

این برخوردها باعث می‌شود که کودکان حس مسئولیت را بیاموزند. باید توسعه‌دادن و ایجاد رفاه برای خانواده را به پسران از همان سنین کودکی بیاموزیم. کم‌کم آنان را به این کار عادت دهیم که هزینه کنند یا از نظر اقتصادی کاری انجام دهند که دیگران خوشحال شوند. مثلاً از پول خود برای بچه‌ها خوراکی بخرند تا دستشان به این کار باز شود. همین‌طور باید بیاموزند که حد نگهدار باشند. نباید نصف یک خوراکی را بخورند و بقیه را دور بیندازند این اسراف است. معمولاً مادران در زمینه آموزش پرهیز از اسراف موفق هستند. مادران متدین مدام به کودکان خود تذکر می‌دهند که اسراف جایز نیست و این آموزش بسیار ضروری و اثرگذار است. مثلاً آب را هدر ندهند. بعضی افراد در طهارت، به اسراف آب مبتلا می‌شوند. پدر و مادر باید آموزش دهند که این کار جایز نیست.

به هر حال هر پدر و مادری باید به کودکان خود بیاموزند که چگونه کسب درآمد کنند، چگونه خرج کنند، چگونه گشاده‌دست باشند و چگونه در راه خدا انفاق کنند. مثلاً برای کودکان دو تا قلک بخریم و به آن‌ها بگوییم در یک قلک برای آینده خود پول بریزید و در یک قلک برای انفاق در راه خدا پول بریزید. و این‌گونه انفاق را نیز به آن‌ها بیاموزیم. این رفتارهای عملی بسیار مؤثر است. همان‌طور که وقتی پدر دست فرزند را می‌گیرد و به مسجد می‌برد، فضای نماز جماعت در قلب او اثر می‌گذارد، در امور اقتصادی هم فضای خانه باید فضای تقوا، فضای سخاوت و فضای عمل به رضای خدا باشد (ایمانور: ۱۳۹۹)

۴. ایجاد باورهای دینی در تربیت اقتصادی

باورهای دینی در زمینه رفتارهای اقتصادی تأثیرگذار است، از این رو والدین باید تقویت باورهای فرزندان را در اولویت قرار دهند و برای تقویت آن‌ها تلاش نمایند. اینک باورهای تأثیرگذار بر تربیت اقتصادی بررسی می‌شود.

۴.۱. ایجاد باور رزاقیت الهی در فرزندان

از جمله اصول اساسی در اندیشه اقتصادی هر انسان مسلمان، توجه به اصل رزاقیت الهی است. رزاقیت الهی به معنای تأمین مایحتاج زندگی موجودات توسط خداوند است. در قرآن کریم به رزاقیت الهی اشاره شده و خداوند متعال تأمین روزی مخلوقاتش را وعده داده است: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها...» (هود: ۶)

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر (اینکه) روزی‌اش بر عهده خداست... .

قرآن در آیه دیگر اشاره دارد که رزاقیت مادی خداوند نه تنها برای مسلمانان، بلکه حتی برای مشرکان نیز وجود دارد: «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَهُمْ تَاللَّهِ لَشَسِئَلٌ عَمَّا كُنْتُمْ تُفْتَرُونَ» (نحل: ۵۶)

و (مشرکان) سهمی از آنچه را ما روزی آنان کرده‌ایم برای بت‌هایی قرار می‌دهند که هیچ نمی‌دانند. به خدا سوگند حتماً از آنچه افتراء می‌بندید بازخواست خواهید شد. توجه و اعتقاد راسخ به اصل رزاقیت الهی دارای اثرات قابل توجهی است. در ادامه به سه مورد از این آثار اشاره ای مختصر می‌شود:

۱. اگر بدانیم که رزق از طرف خداست، انفاق برای ما آسان می‌شود، زیرا انسانی که قائل به رزاقیت الهی است دیگر ترسی از این ندارد که با دادن بخشی از اموال خود دچار سختی گردد و یا نتواند زندگی خود خانواده اش را تأمین نماید.





۲. رزق همه به دست اوست، پس عجله و حرص و حرام‌خواری نداشته باشیم. انسانی که معتقد به اصل رزاقیت الهی است، می‌داند که روزی وی از جانب خداوند تامین شده است، لذا نیازی به استفاده از راههای نامشروع بدست آوردن و یا انباشتن ثروت وجود ندارد.

۳. توجه به اصل رزاقیت الهی موجب می‌گردد که انسان تن به بردگی دیگران ندهد و در برابر انسان‌های پست و فرومایه سر تعظیم فرود نیاورد، چرا که وی می‌داند خداوند حکیم رزق و روزی او را تضمین کرده و نیازی به انجام فعالیت‌های غیرشرعی ندارد. توجه دادن کودک به منشأ اصلی روزی با پرسیدن سؤالاتی از قبیل اینکه:

- این غذا را چه کسی به ما داده؟

- سلامتی را چه کسی داده؟

و شمردن نعمت‌های الهی توسط کودک و ربط دادن این نعمت‌ها به منشأ اصلی آن‌ها، همچنین بیان قصه‌هایی با مضامین رزاقیت عام خداوند، مثلاً مورچه برای دستیابی به روزی تلاش می‌کند، اما این دانه‌ها را خداوند در دسترس او قرار داده است؛ اختصاص زمان ثابتی در برنامه روزانه و یا هفتگی برای مطالعه کتاب‌های مفید، توجه دادن به غذاها و شنیداری، و اینکه اجازه نداریم هر صدا و صحبتی بشنویم و تلاش کنیم بهترین را انتخاب کنیم. توجه دادن به غذاها و دیداری و این که اجازه نداریم هر تصویر یا فیلمی ببینیم و تلاش کنیم بهترین را انتخاب کنیم. (آیت الهی، ۱۴۰۴)

۲.۴ ایجاد باور توکل در فرزندان

توکل به معنای اظهار ناتوانی در کاری و اعتماد کردن به دیگری است. (ابن فارس ۶: ۱۴۰۴ / ۱۳۶). به گفته محمد مهدی نراقی در «جامع السعادات»، توکل در فرهنگ دینی آن است که انسان تنها خداوند را تأثیرگذار در هستی بداند؛ از این رو، تنها به او اعتماد کرده و از غیر او قطع امید می‌کند و امور خود را به او وامی‌گذارد. (نراقی، ۳: ۱۳۸۳ / ۲۱۹)



علامه طباطبایی نیز توکل را آن دانسته است که در امور تنها خداوند را مؤثر بدانیم. (طباطبایی، المیزان، ۱۹: ۷۸/۱۳۷۸)

شیخ صدوق در «معانی الاخبار» حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده که طبق آن، توکل چنین تعریف شده است که «انسان بداند آفریدگان هیچ سود و زیانی برای او ندارند و فقط به خداوند امیدوار باشد و از غیر او نترسد و تنها برای او کار کند». (صدوق ۲۶۱: ۱۳۷۲)

در کتاب «اخلاق در قرآن» آمده که حقیقت توکل، «اعتماد قلبی در تمام کارها بر خدا و صرف نظر کردن از ماسوی‌الله» است و منافاتی با استفاده از اسباب و فعالیت‌های جسمانی و تدبیر عقلانی ندارد. (مکارم شیرازی، ۲: ۱۳۷۷/۲۶۶-۲۶۵)

غزالی و نراقی می‌گویند برخی توکل را به معنای دست‌روی‌دست گذاشتن و رهاکردن کار و کوشش می‌پندارند. (غزالی، ۴: ۱۴۰۶/۲۸۲؛ نراقی، ۳: ۱۳۸۳/۲۲۶)

فیض کاشانی در اشکال به این دیدگاه گفته است: در دین اسلام، توکل با کار و تلاش منافات ندارد. (فیض کاشانی، ۷: ۱۴۱۷/۴۱۳)

در احادیث نیز، توسل به اسباب طبیعی در کنار توکل، سفارش شده است. برای نمونه از پیامبر ﷺ نقل شده است که زانوی شتر را ببند و آنگاه توکل کن. (طبرسی ۳۱۹: ۱۳۶۴-۳۲۰)

از این روایات چنین استدلال می‌شود که کودک برای رسیدن به خواسته‌اش تلاش کند و وظیفه اش را درست انجام دهد، ولی درباره نتیجه نگرانی نداشته باشد و مربی از نتیجه حاصل شده، حمایت کرده و او را تحسین کند. مثلاً کودک در مسابقه شرکت می‌کند و نگران نتیجه است؛ مربی با بیان اهمیت کار و تلاش و توکل، نگرانی او را برطرف کند.

۳.۴. ایجاد باور برکت در فرزندان

برکت به معنای فزونی در خیر (دهخدا، ۱۳۸۳) که از جانب خدا در چیزی نهاده شده است و بهره‌فروانی به دیگران می‌رسد. در واقع ممکن است چیزی در ظاهر کم باشد، اما فایده آن



بیش از حد ظاهری باشد و منفعت فراوان داشته باشد و در واقع برکت دارد؛ ولی ممکن است گاهی در ظاهر چیزی فراوان باشد، اما کسی از آن بهره‌مند نشود. گاهی افراد تلاش زیادی می‌کنند، اما کسی از آن بهره‌مند نمی‌شود. گاهی افراد تلاش زیادی برای به دست آوردن اموال فراوان می‌کنند، اما به میزان بهره و استفاده از دارایی‌هایشان توجه نمی‌کنند و یا برخی افراد شرط پیشرفت و رشد را فقط در میزان زیاد دارایی و امکانات می‌دانند که تصورات نادرستی هستند.

خیلی از دانشمندا، علما و شهدا با بهره از امکانات اندک و معمولی، به اهداف بزرگی رسیدند و زندگی با برکتی داشتند. (آیت‌اللهی، ۱۴۰۱)

آنچه در رابطه با شناخت برکت بنا به نظر اندیشمندان اسلامی نبایستی فراموش شود، عبارت است از قرارگرفتن مادیات و معنویات در کنار یکدیگر. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۲/ ۹۰) به عبارت دیگر، گرچه خود مفهوم برکت، در جوهره خود ماهیتاً معنوی می‌باشد، اما پیشامدها و پیامدهای مادی (و معنوی) را نیز در بر می‌گیرد. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: خداوند ابا دارد از اینکه امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد، پس برای هر چیزی سببی قرار داده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۲۳۱)

متون دینی در زمینه این علل، و پیش‌زمینه‌هایی که منجر به ایجاد برکت می‌شوند، بحث کرده‌اند. در اساسی‌ترین بعد مفهوم برکت، خدامحوری قرار دارد. در بررسی مفهوم برکت ابتدا بایستی به خواستگاه آن دقت کرد. به عبارت دیگر، ایمان به خدا جزئی از وجود برکت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». (اعراف: ۹۶)

اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا می‌داشتند، برکت‌هایی را از آسمان و زمین، بر آنان می‌گشادیم.

نتیجه:

از دیدگاه اسلام «تربیت اقتصادی» تحت تأثیر باورهای، اعتقادی اخلاقی است؛ بر این اساس باید تمام برنامه‌ها و رفتارهای اقتصادی انسان مسلمان باید مطابق شریعت الهی و با هدف تزکیه نفس انجام گیر.

تربیت اقتصادی صحیح در پاکسازی روحی و در رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی تمدن اسلامی تأثیر بسزایی دارد. با توجه به محتوای این تحقیق پی می‌بریم که اقتصاد اسلامی در همه ابعاد اسلامی وجود دارد. آنچه در نظام اقتصادی اسلام بیش از هر چیز اهمیت دارد، حلال بودن کسب کار و درآمد حاصل از آن است؛ یعنی به دست آوردن مال از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد.

مفاهیمی مثل رزاقیت الهی، توکل، برکت و شکرگزاری در حوزه عقاید اقتصادی هستند. در اسلام، حدود و مقرراتی وجود دارد که رفتار مسلمانان بر مبنای آن‌ها تنظیم می‌گردد و بدون رعایت آن‌ها وی از ایمان کامل برخوردار نیست. در ارائه یک الگوی مناسب برای یک جامعه دینی باید حدود و مقررات شرعی در نظر گرفته شوند، زیرا انسان در قبال تمام اعمال و رفتار خود از جمله رفتارهای اقتصادی مسئول‌اند و روزی پاسخگوی آن خواهد بود، این احکام اقتصادی، عبارت‌اند از انگیزه الهی، میانه‌روی، انفاق و رعایت حقوق دیگران. رعایت این موارد، آثار زیادی در استحکام تمدن انسانی دارد و باعث رشد و توسعه جامعه، امنیت و توسعه اقتصادی و سیاسی می‌شود؛ از دیگر سو، بی توجهی به آن‌ها توسعه و تکامل جامعه را از بین می‌برد و موجب دوری از رحمت الهی می‌شود. در این میان، وظیفه والدین در تربیت اقتصادی فرزندان از سایر نهادهای مکلف بیشتر است و آن‌ها بیش از دیگران در توجه دادن فرزندان به آموزه‌های فقهی مسئولیت دارد.





منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دارالصادر.
۳. اشتهاردی، محمد و محمدتقی عبدوس (۱۳۹۱)، آموزه‌های اخلاقی و رفتاری امامان شیعه علیهم‌السلام، ج ۸، قم: بوستان کتاب.
۴. ایمانی، محسن (۱۳۹۱)، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، نشریه پیوند، ش ۳۹۱-۳۹۰.
۵. ابن شعبه حرانی (۱۳۸۲)، تحف العقول، قم: آل علی علیهم‌السلام.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴)، الصالح تاج اللغة وصحاح العربیة، ج ۳، بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، چ، بیروت: دارالعلم الدرالشامیه.
۸. سجادی، جعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چ ۳، تهران: کومش.
۹. شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۳۷۲)، معانی الاخبار، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه اسلامی.
۱۱. صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۳)، اقتصاد ما، ترجمه برهانی، قم: پژوهشگاه علمی و تخصصی شهید صدر.



۱۲. صانعی، سید مهدی (۱۳۸۰)، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد: سنا باد.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۶۴)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ج ۱، مشهد مقدس: طوس.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. طغیانی، مهدی و محمد هادی زاهدی وفا (۱۳۹۱)، «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۶.
۱۷. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۶)، احیاء علوم الدین، مصر: دارالشعب.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷)، المحججة البيضاء، ج ۴، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، اصول کافی، ج ۳، قم: اسوه.
۲۰. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسینی الحانی البیرجندی، قم: دارالحديث.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۲. محمد ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
۲۳. مفید، محمد بن نعمان (۱۳۸۰)، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران: اسلامیه.
۲۴. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، بیروت، موسسه آل بیت علیهم السلام الاحیاء التراث.



۲۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹)، کنز العمال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۱۵)، بحار الانوار، چ ۱، بیروت: احیاء التراث العربی.
۲۷. محمدری شهری، محمد (۱۳۸۸)، الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.
۲۸. مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵)، اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام، چ ۱، انتشارات امام محمد باقر علیه السلام.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. نراقی، مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، چ ۴، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۱. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۹۰)، خزینة الجواهر فی زینة المنابر، چ ۵، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
۳۲. هادوی، مهدی (۱۳۷۸)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، چ ۱، تهران: خانه خرد.
۳۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳)، امثال و حکم، تهران: [بی‌نا].